

# شادی و نشاط رمز موفقیت در ایران باستان

فلسفه عرفانی آریایی (ایرانی)، بر پایه شادی و نشاط بنیان نهاده شده است. با نگاهی به تاریخ راستین و پر بار ایرانی، درمی یابیم که ایرانیان درسایه فلسفه شادی و نشاط، توانسته اند قرن ها بر همه جهان فرمان روایی کنند و صلح و آشتی و انسانیت و مهر را ارمغان جهانیان سازند. «زردشت»، پیامبر یکتاپرست ایرانی، نخستین پیامبر جهانی، ۱۴ هزار سال پیش، هنگامی که به دنیا آمد، خندید. تولد زردشت، همراه با خنده و شادی بود که می توان این را نخستین معجزه این پیامبر دانست.

«بودا»، دیگر پیامبر آریایی، پیامی دارد بسیار مهم. او می فرماید: اشک های دیگران رابه نگاه های پر از شادی بدل کردن، بهترین خوشبختی هاست.

کوروش هخامنشی، پادشاه مقتدرو بزرگ جهانی می گوید: هدف نخستین من، دادن شادی و نشاط به جهانیان است.

«زردشت، خواستار خرسندی و شادی، با عمری دراز است.»

«پادشاه راستکاران، خوشی است.» «ماخواستار شادی می گردیم»  
مردمان راستکاران، خوشی است. «ماخواستار شادی می گردیم»  
مردمان راستکاران، خوشی است. «ماخواستار شادی می گردیم»

«خواستار آن شادی و خوشی هستیم که معشوق به عاشق می دهد.» «شادی از آن کسی و کسانی است که از آیین راستی پیروی می کنند.»

درسراسر گاتاها و فلسفه عرفان ایرانی، غم و اندوه و شیون، بزرگترین بیماری و داده و آفریده شیطان یا اهریمن است که جلوی پیشرفت «دانش» علم و بالندگی را می گیرد و بسیار زیان آور است. حضرت زردشت، خود را پیامبرشاد، پیامبر شادی می خواند و در اوستا، اهورامزدا (خدای هستی بخش دانای بزرگ)، خوشی بخش توصیف شده و حتی می فرماید: «شادی و خوشنودی را می ستاییم.»

در آیین زردشتی، به جشن و سرور اهمیت ویژه ای داده شده و تاکید گشته است که پیرو این آیین، همیشه با چهره خندان و گشاده، با وقایع بد این جهان روبه رو شود، و به جای آه و ناله بکوشد و موجبات درد و اندوه را از میان بردارد. در واقع جشن، چراغی بوده و هست که یک ایرانی زردشتی برای زدودن تیرگی های زندگی برمی افروزد. بر همین اساس، در دین زردشتی و عرفان ایرانی، اعیاد و روزهای جشن و شادی بسیار زیاد است.

جشن های ایران باستان، بیشتر دینی و توأم با مراسم دعا و سرودخوانی بوده، حتی واژه جشن از ریشه «یسنه آوستایی» به معنای «ستایش و پرستش» آمده است. آیین زردشتی، کیش شادمانی، تندرستی، و بهسازی است. مردم باید در هر گاهی که شایسته است، جشن بگیرند و با گردهمایی و اجتماع باهم شادمانی و پایکوبی کنند. این جشن ها فلسفه دیگری نیز دارد و آن پیوند هر چه بیشتر مردم به یکدیگر، زدودن دل از کینه ها و زنگارها و گسترش آشتی و دوستی است. بر پایه گاتاها (سرودهای حضرت زردشت) دو گوهر یا

یاری رساند، به خاطر حمایت «سپنتامینیو» است. وسوگ وغم، سوگواری ومویه، تباهی، تاریکی، تنبلی وکاهلی، رکود و جمود، تلخی، توفان و هرپدیده ای که زندگی را ازسازندگی به تباهی و انهدام برساند، از اعمال و نیرنگ های انگره مینیو است.

درکتاب های پهلوی واوستایی \_دینی ایرانی \_همواره دینداران وراستی گرایان را ازگرایش و انجام مویه وشیون برحذرداشته اند و به عکس، برای تلاش، پیشرفت وبالتدگی، «شادی» ازنیات وکردار «سپنتامینیوی» معرفی شده ومردمان به آن تشویق و برانگیخته شده اند. به موجب اوستا وایین مزدایی (زردشتی \_مهری) «روان» جاودانی است و پس ازمرگ وتباهی تن، به سوی مینو (بهشت) وعرش برین رهسپارشده و دربارگاه ایزدی هماره خوش وخرم خواهدبود.

بنددوم از یسنا، هات ۳۱، صریحآمده: هرکس که راستی وراه درست برگزیند، از شوربختی وتیرگی و سرنوشت بدوشیون ومویه به دورخواهدماند. در فصل ۷۱، بند۷ یسناآمده: کارومنش نیک را می ستاییم تا بتوانیم دربرابرتاریکی پایداری کنیم وبتوانیم ازشیون ومویه خودداری نماییم .

به موجب دایره المعارف دینی «دین کرد.» «dinkerd» در اوستای بزرگ عصرساسانی، از نکوهش شیون و مویه و زاری وسوگ، به تفضیل مطالبی آمده است.

درکتاب «معراج نامه» (آردی وی راف ) به دوکس اشاره شده که درجهان گریه ومویه بسیار کردند و بانگ شیون برداشتند. در

نیروی عظیم  
درجهان هستی

وجوددارد، یکی «سپنتامینیو»

ودیگری «انگره مینیو» یا اهریمن. این دوگوهر، زاده تخیل بشراست وبشر را نیز اهورامزدا (خدای هستی بخش جان وخرد) آفریده است. پس «سپنتامینیو»: اندیشه وکرداروگفتارنیک و«انگره مینیو»: اندیشه وکردار وگفتار بد است.

شادی، جشن، سازندگی، روشنایی، کاروکوشش، رشد و بالتدگی، شهد و شیرینی، جانوران سود رسان، ماه وخورشید و ستارگان و هرکردار و پدیده ای که به پیش برد، سازندگی ودوام وبقای زندگی

در بیشتر کتیبه های کنونی به یادگارمانده از روزگار مادی ها و هخامنشیان مادی آمده است: «خدای بزرگ است آهورامزدا، که سرزمین را آفرید و آسمان را، انسان را آفرید و شادی را برای انسان مقرر داشت.»

ریشه شناسی واژه های شیون ومویه :

مویه در آوستا آم ی و amayawa آمده که در پهلوی به مویک muyak و در فارسی کنونی: مویه شده است.

شیون در آوستا از واژه خشى ...و...خ شى یو آمده و در پهلوی: شیون شده است. در پهلوی به گریه وزاری: sip شپ (شین) می گویند. در کردی کنونی نیز هنوز واژه شین به سوگ ومویه و شیون گفته می شود. در زبان ارمنی (که زبان کردی وارمنی هردو از زبان مادی باستان به یادگار مانده اند) شیونک sivank آمده است. در آوستا به اشک اسرون asrun می گویند. در کردی امروز نیز به اشک اسرین asrin می گویند. که همان اسرون آوستایی است.

پروفسور فاروق صفی زاده

مورد مجازات (پادافره) اینان آمده: «پس سروش پاک و ایزدآذر، دست من فراز گرفتند و از جا فراز تر شدم، جایی فراز آمدم. دیدم رودی بزرگ وهولناک و بد بو و تار، که بسیار روحان (روح ها) در آن بودند، یک چند از آنها گذشتن نتوانستند و یک چند با رنج گران همی گذرند و یک چند به آسانی گذرند.»

پرسید: این کدام رود و این مردم که هستند که این جا رنجه باشند؟ سروش پاک و ایزدآذر گفتند: این رود، آن اشک بسیار است که مردمان، از پس مردگان، از چشم بریزند و شیون ومویه کنند. آن اشک که از روی نادانی ریزند، به این رود افزاید. آن ها که گذشتن نتوانند کسانی هستند که از پس مرده، شیون ومویه و گریستن بسیار کردند و آنها که آسان تر، کسانی هستند که کم کردند.

به جهانیان بگو که شما به گیتی، شیون ومویه و گریستن به نادانی مکنید، چه به همان اندازه یدی وسختی ِ به روان مردگان شمارسد. «آردی وی راف نامه ِ فصل ۱۶.»

«دیدم روان زنانی که سرشان بریده و از تن جدا کرده بودند و زبان بانگ همی داشت. پرسیدم: این روان از آن کیست؟ سروش پاک گفتند: این روان آن زنان است که به گیتی شیون ومویه بسیار کردند و بر سر و روی

زدند.» فصل ۵۷ آردی

ویراف نامه

-

